

متن پرسش

با عرض سلام: در سوال قبل فرمودید علم به خود دلیل تجرد نفس است حقیر سابق کم و بیش ادله تجرد نفس را خواندم و تقریباً هیچ کدامش قانع کننده نبود چون قدما چندان با جسم آدمی بخصوص مغز آشنا نبودند پیچیدگی های مغز درین عصر نیز باقی است و به اندکی از آن پی برده اند بله علم به خود هم فقط در مغز صورت می گیرد و علم به خود مطلب ساده ایست که حسب آیات قرآن در جماد و حیوان هم است و اگر دلیل تجرد بود باید قایل به تجرد همه چیز بشویم بعض آیات را می آورم مگر آنکه دست به تاویل ببریم که بنظر حقیر نیازی نیست در کدام آیه و روایت آمده روح داریم اینها مطالبیست که از یونان ظاهراً آمد اما آیات: ۱. «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» ضمیر نا به خوبی نشان می دهد که آسمان و زمین به خود علم دارند. ۲. داستان هدهد در سوره نمل و صحبت های مورچه ها در آن سوره و سایر مواردی که حیوانات صحبت کردند در قرآن، و نیز تعبیر منطق الطیر که بر خلاف تعبیر ارسطوییست که فقط انسان را حیوان ناطق می دانست همه ی اینها حاکی از علم تمام اشیا و موجودات به خود است پس قائل به تجرد همه چیز شوید در حالیکه نیازی نیست قدما ماده را دست کم گرفتند ماده دارای توانایی های فوق العاده ایست که مجردترین اموری هم که فکر می کنیم در خود می گنجاند و تجرد ویژگی منحصر به فرد حضرت حق است و بس.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می دانید بحث «تجرد نفس» بسیار مفصل تر از این حرفها است حتی آگاهی به مغز نشان می دهد که نفس ماورای مغز است. در این مورد جلد هشتم «اسفار» صدرا حرفهای اساسی دارد. آری! همه موجودات از آن جهت که تسبیخ خدا را می کنند، آگاهی به خالق خود دارند ولی این به معنای نفس ناطقه با هویت خاص «نفخت من روحی» به حساب نمی آید. موفق باشید